



شیخ سلیم

پیش از آنکه مجاهدان مشروطه نیروهای دولتی و اشرار را در نبردهای مختلف شکست دهند ستارخان و باقرخان قرار گذاشتند تا کار محلات مخالف مشروطه را یکسره سازند. مجاهدین ابتدا محله ششگلان را آزاد و حسین خان که فرماندهی نیروی مردمی را به عهده داشت در درگیری با نیروهای شجاع نظام مرندی، گلوله‌ای به سرش اصابت کرده و به شهادت میرسد



حسین خان باغبان

ستمديدگان از بی‌عدالتی‌ها بود که به تاریخ آذر بایجان اعتبار بخشید.

وی در ۱۲۵۰ در سردرود از توابع تبریز در خانواده گوموش کمر به دنیا آمد و مانند دیگر اعضای خانواده به علت فقر به مکتب نرفت و به باغبانی پرداخت.

وی در دوران جوانی به تبریز مهاجرت کرد و در محله لیلاوا در باغ حاجی میرزا آقاقرشی به باغبانی پرداخت. در محله لیلاوا که مهد آزادی خواهان تبریز بود به صف مبارزان مشروطه پیوست. همه او را از صمیم قلب دوست داشتند. جسارت و وفاداری به آرمان‌های انقلاب و سردار بزرگ ستارخان و پرچمدار مشروطه باعث شد همگان او را عدالت‌طلب و مبارز راه حق و حقیقت نامیدند.

مهرداد اوستا در حق حسین خان گفته: «بزی همچون عقاب تیز پرواز / که جویند از تو در گردون نشانه / بزی شاهین که گر خواهند مردم / ترا بینند زی بالا ببینند / که افتد سایه بالبت به سرها / نه چون خاکت به زیر پا بینند / بزی تند بزی طوفان بزی برق / خروشی در فکن در این کهن دیر.»

حسین خان باغبان در بدترین شرایط انقلاب که سردار ملی ستارخان با ۱۷ تن از یاران خود در محله امیرخیز در بدترین شرایط در محاصره اشرار دولتی بود، با یاران خود خط محاصره را شکسته و دشمن را به فرار واداشت.

حسین خان از طرف انجمن تبریز، حافظ بازار تبریز در برابر غارتگران بود. بزرگ‌ترین خدمت حسین خان نبرد با اردوی ماکو و نابودی اشرار غارتگر اقبال السلطنه ماکویی در شهریور و مهر ۱۲۸۷ بود.

پیش از آنکه مجاهدان مشروطه نیروهای دولتی و اشرار را در نبردهای مختلف شکست دهند، ستارخان و باقرخان قرار گذاشتند کار محلات مخالف مشروطه را یکسره سازند.

مجاهدین ابتدا محله ششگلان را آزاد و حسین خان که فرماندهی نیروی مردمی را برعهده داشت در درگیری با نیروهای شجاع نظام مرندی، گلوله‌ای به سرش اصابت کرده و به شهادت می‌رسد. نیروهای محله ده‌وچی جنازه او را با خود برده و از نظر احترامی که به رشادت‌ها و دلآوری‌ها و شخصیت حسین خان باغبان داشتند، در گورستان محله ده‌وچی به خاک می‌سپارند. مردم تبریز در تمام محلات شهر به یاد این قهرمان ملی، مجالس باشکوه ختم برپا می‌سازند. عجیب است که حسین خان باغبان فرزند تازه‌به‌دنیا آمده‌اش به نام «عزیز» را مدت سه‌ماه ندیده بود چون همواره در جبهه نبرد بود و خانواده این شهید بزرگوار، نام خانوادگی «پورشهید» را برای خود انتخاب می‌کنند و در همان محله ده‌وچی در قبرستان مزبور مدرسه‌ای به نام «مدرسه راهنمایی تحصیلی باغبان» احداث می‌کنند.

حسین خان باغبان بازوی توانای انقلاب مشروطه و فرزند راستین مردم آذربایجان بود.

زنده‌یاد دوافروش پیشه دوافروشی داشت و پیش از انقلاب با حرفه داروسازی و دوافروشی آشنا بود. وی بعد از شهید ثقه الاسلام، اولین عاقل و مدبر و باشعور تبریزی به حساب می‌آمد. شهید حاج علی از ابتدای جوانی داخل در خط تمدن و تجدیدپرستی بود. دواخانه‌ای داشت به نام «دواخانه تاجری» و خود اصلاً از بازرگانان تبریز بود.

می‌نویسند وی قبل از مشروطیت دارای افکار روشنی بود. زنده‌یاد حاج علی هم مربی و مشوق مجاهدان مشروطه بود و هم اهل قانون و منطق. وی همواره می‌گفت: «بعد از نان اولین ضرورت ملت «معارف» است و باید سطح آگاهی مردم را بالا برد.» وی در تلاش بود که با توسعه مدارس و رونق معارف، دستاوردهای انقلاب را حفظ کند و در راه ترویج معارف و تعلیم و تربیت نوجوانان، از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد، به طوری که با فعالیت خستگی‌ناپذیر خود «مدرسه سعادت» را که قریب ۵۰۰ نفر محصل داشت و جزء بهترین، کامل‌ترین و منظم‌ترین مدارس تبریز بود، افتتاح کرد و جوانان برومند و انقلابی را تحویل جامعه داد. شاگردان شهید دوافروش، انسان‌های لایق، وطن‌پرست و قابل‌بودند.

مرحوم دوافروش به این واقعیت تاریخی، خوب پی برده بود که هیچ ملتی نمی‌تواند از استقلال و آزادی برخوردار شده و به تمدن و پیشرفت برسد مگر اینکه افراد ملت دارای بینش وسیع و رشد عمیق اجتماعی باشند. بنابراین حاج علی دوافروش شهید راه انقلاب در ترویج معارف به‌ویژه در زمینه تعلیم و تربیت نوجوانان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

زنده‌یاد حاج علی آقا با آن که در جنگ روس‌های متجاوز و اشغالگر با مجاهدان تبریزی دخالتی نداشت، ولی بنا به سابقه آزادی‌خواه بودنش دستگیر و همراه شادروان میرزا احمد سهیلی در ۴۰ سالگی در محوطه باغشمال به دار آویخته شد. سپس روس‌ها خانه وی را منفجر کردند و اهل و عیالش در به در و آواره شدند. هنگام شهادت مرحوم حاج علی دوافروش ۴۰ سال داشت. پیکر پاک شادروان شهید حاج علی در مقبره سید حمزه دفن شده است.

از افکار و اندیشه‌های بسیار ارزشمند شهید دوافروش می‌توان به این گفته ایشان اشاره کرد که وقتی بازویش در اثر گلوله زخمی شده و در بیمارستان آن زمان بستری سرپایی بود، شیشه به دست، خون مجروحان و شهدای مبارزه ملت را در بیمارستان به شیشه می‌گرفت و می‌گفت در هنگام نوشتن قانون اساسی میهن عزیزمان، ایران انقلابی و مترقی خون شهدا را با مرکب قانون اساسی مخلوط کرده و قانون اساسی جدیدی خواهیم نوشت.

حسین خان باغبان

در قیام مشروطه عامل عمده‌ای که سبب پیروزی این قیام در آذربایجان و ایران شد، جانبازی مجاهدان قهرمان در راه حق برای رهایی